استناد به این مقاله: پورحقانی، مهسا؛ افشار، ابراهیم؛ چشمه سهرابی، مظفر (۱۳۹۲). دسترس‌پذیری به کتاب چاپی در کتابخانه‌های دانشگاه اصفهان: سونامی استناد کاذب در پایان‌نامه‌های تحصیلی. *پژوهش‌نامه کتابداری و اطلاع‌رسانی*،۳ (۱)، ۲۰۶-۱۹۱.

دسترس‌پذیری به کتاب چاپی در کتابخانه‌های دانشگاه اصفهان: سونامی استناد کاذب در پایان‌نامه‌های تحصیلی

مهساپورحقانی[۱]، دکترابراهیم افشار[۲]، دکترمظفر چشمه سهرابی[۳]

دریافت: ۹۱/۵/۲۶ پذیرش: ۹۱/۹/۱۹

چکیده

هدف: *تعیین نرخ دسترسی فیزیکی به کتاب‌های فارسی و انگلیسی در دانشگاه اصفهان، با هدف بهبود دسترس‌پذیری به آنها در شبکه کتابخانه‌ای این دانشگاه.*

روش: *سیاهه‌ای از ۲۹۷۲ عنوان کتاب استناد شده در ۹۷عنوان پایان‌نامه تحصیلات تکمیلی دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه اصفهان تهیه شد. در گام نخست موجود بودن هر یک از رکوردهای کتابشناختی در فهرست پیوسته کتابخانه‌های دانشگاه اصفهان بررسی شد. در گام دوم موجود بودن فیزیکی عناوینی که رکوردهای کتابشناختی آنها یافته شد، در قفسه مشخص و بدین ترتیب نرخ دسترس‌پذیری به آنها تعیین شد. در گام سوم تلاش شد دلایل موجود نبودن اقلام یافت نشده در قفسه، شناسائی و موانع دسترس‌پذیری شناخته شود. برای منظور اخیر با کتابداران بخش امانت مصاحبه انجام گرفت. اطلاعات به دست آمده از سیاهه وارسی با استفاده از نرم افزار آماری و آمار توصیفی تحلیل شد.*

یافته‌ها: *دو نرخ دسترسی به دست آمد: ۲۲/۴٪ برای تمام کتاب‌های چاپی که در ۹۷ پایان‌نامه به آنها استناد شده بود، و ۶۹٪ برای کتاب‌هایی که فهرست پیوسته موجود بودن آنها را نشان می‌داد. بر پایه نمونه‌گیری از ۱۶۶۸ عنوان انگلیسی ناموجود مورد استناد و جستجوی آنها در فهرست‌های پیوسته ۶ کتابخانه در دیگر دانشگاه‌های عمده کشور و پایگاه گوگل‌بوک، معلوم شد به احتمال ۹۵٪، حداکثر ۱۹٪ آنها را می‌توان در داخل کشور یافت. این امر را می‌توان نشان دهنده پدیده استناد کاذب دانست که از مصادیق سوء رفتار آکادمیک است. دیگر موانع دسترسی فیزیکی به کتاب‌های موجود در کتابخانه‌های دانشگاه به ترتیب عبارتند از: نقایص مدیریت مجموعه، در امانت بودن، و پراکنده بودن در واحدهای کتابخانه‌ای متعدد (به ویژه در دو کتابخانه خوابگاهی تک جنسیتی). در مصاحبه با کتابداران کاستی‌های مدیریت مجموعه،*

---

۱. کارشناس ارشد علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه اصفهان mahsa_poorhaghani@yahoo.com

۲. استادیار علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول)ebafshar@gmail.com

۳. استادیار علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه اصفهان sohrabi51@gmail.com

مشخص نبودن وضعیت منابع وجین شده، انجام ندادن شلف‌خوانی، بی‌دقتی در صحافی و مشکلات نرم‌افزار فهرست کتابخانه عنوان شد.

کلیدواژه‌ها: *دسترس‌پذیری فیزیکی؛ کتاب؛ دانشگاه اصفهان؛ مدیریت مجموعه؛ اسناد کاذب؛ سوء رفتار آکادمیک.*

مقدمه

دسترسی یا دسترس‌پذیری[۴] اصطلاحی مأنوس هم برای دست‌اندرکاران حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی و هم کاربران اطلاعات است. واژه دسترسی در معنای عام به وضعی گفته می‌شود که فاصله فیزیکی طالب با آنچه طلب می‌کند(مطلوب) از میان رفته باشد. این واژه در اصطلاح‌شناسی کتابداری و اطلاع‌رسانی به معنای موقعیتی است که جوینده یا طالب اطلاعات موفق شده باشد فاصله‌ای را که در مرحله احساس نیاز به اطلاعات، خود را با آن مواجه یافته است، از بین رفته بیابد.

حری (۱۳۷۳) نیز دسترس‌پذیر ساختن اطلاعات را هموار ساختن مسیر کسب و دریافت اطلاعات و رفع موانع احتمالی یا موجود در این مسیر می‌داند. از این رو وی حیطه دسترس‌پذیری را از شکل‌گیری پرسش در ذهن تا رسیدن به پاسخ گسترده می‌داند.

اهمیت پژوهش حاضر در آن است که دسترسی به اطلاعات عامل مهمی در تعیین ارزش آن است. اطلاعات گردآوری شده - از جمله مجموعه‌های کتابخانه‌ها— هر چند با کیفیت، اگر به سهولت و در زمان مناسب از نظر استفاده کننده در دسترس نباشد، بی ارزش است. راس اتکینسون در یک تحلیل پدیدارشناسانه از مجموعه‌سازی، کارکرد اصلی کتابخانه را "کاهش زمان دسترسی" می‌داند (Atkinson, 1994, p. 38، به نقل از Afshar, 2000, p. 62).

پژوهش‌های فراوانی موجود بودن[۵] و دسترس‌پذیری را از مهم‌ترین عوامل افزایش بهره‌گیری از نظام‌های اطلاع‌رسانی می‌دانند (پائو، ۱۳۷۸، ص ۳۷۴). کتابداران بر اساس رسالت حرفه‌ای خود تلاش می‌کنند که دسترسی کاربران به منابع اطلاعات را به حداکثر برسانند. کتابخانه ایده‌آل با هدف به حداقل رساندن مصرف پول، انرژی، و زمان کاربر برای دست یافتن به اطلاعات، به وی خدمت می‌کند. این کوشش در راستای تحقق اصل کمترین تلاش است که طبق آن موجود هوشمند از میان راه‌های متفاوت حل یک مسئله، ساده‌ترین راه را بر می‌گزیند (زیف[۶] به نقل از: داورپناه، ۱۳۸۸، ص ۲۱۳). بدین ترتیب در شرایط مساوی، هر چه دسترسی و استفاده از منبع اطلاعاتی آسان‌تر باشد، احتمال استفاده از آن بیشتر

---
[4] Accessibility
[5] Availability
[6] Zipf

می‌شود.

نیازهای اطلاعاتی روزافزون جامعه دانشگاهی و لزوم دستیابی به اطلاعات مناسب در زمان مناسب، ضرورت بررسی وضعیت خدمت‌رسانی در کتابخانه‌های دانشگاهی را ایجاب می‌کند. برطرف کردن نیاز اطلاعاتی دانشجویان در زمان مناسب، باعث اعتماد آنها به خدمات کتابخانه می‌شود.

هدف این پژوهش یافتن نرخ دسترس‌پذیری فیزیکی و موانع موجود در رسیدن به دسترس‌پذیری فیزیکی است. این مطالعه به ارائه راهکارهایی برای رفع موانع دسترس‌پذیری فیزیکی به کتاب‌های چاپی در کتابخانه‌های دانشگاه اصفهان می‌پردازد.

پیشینه پژوهش

در میان پژوهش‌های عرصه دسترس‌پذیری، پژوهش کانتور (Kantor, 1976) یکی از مطالعات کلاسیک است (Lancaster,1991&Mansbridge, 1986). اهمیت کار کانتور در آن است که وی برای به تصویر کشیدن رابطه میان موانع *موجود بودن*، مدل موسوم به شاخه‌ای را ارائه کرد. در این مدل طبقه‌بندی موانع موجود بودن را به ترتیب مراحلی که کاربر هنگام کاوش طی می‌کند، در نظر گرفت:

الف) کتابخانه منبع را تهیه نکرده است (فراهم‌آوری و مجموعه‌سازی)؛

ب)منبع در امانت است؛

ج) کتابخانه منبع را تهیه کرده و در امانت هم نیست، اما دسترس‌پذیر هم نیست (گم شده یا در محل اشتباه گذاشته شده است) (خطای کتابخانه)؛

د) خطای مراجعه‌کننده (در استفاده از فهرست یا در یافتن منابع در قفسه‌ها).

کانتور دسترس‌پذیری فیزیکی را بدین ترتیب فرمول‌بندی کرد: نسبت تعداد مدارک یافت شده به تعداد مدارک جستجو شده:

(تعداد مدارک جستجو شده) / (تعداد مدارک یافت شده) = نرخ موجود بودن

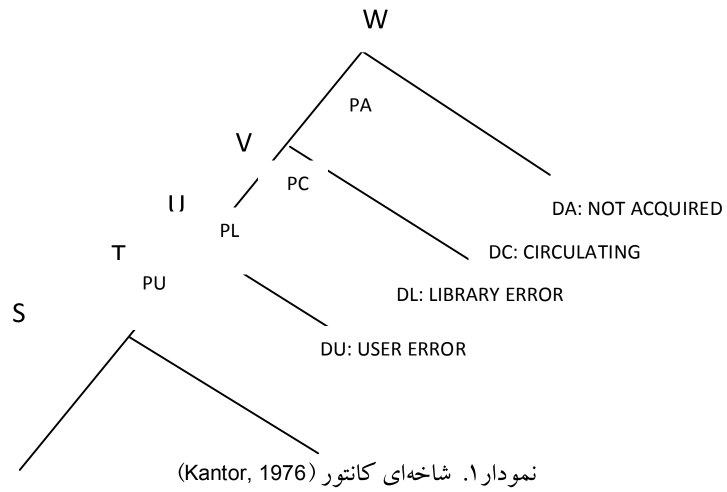
کانتور سعی کرد مفهوم دسترس‌پذیری را به صورت عملیاتی تعریف کند. کار بعدی وی آنبود که پس از تعیین میزان احتمال موفقیت در یافتن مدرک مورد نظر هنگام کاوش، موارد عدم موفقیت را در مدل زیر گروه‌بندی کند:

DA: نارضایتی مربوط به کتاب‌هایی که اصلا بدست نیامده‌اند (احتمالPA)؛

DC: نارضایتی به دلیل کتاب‌هایی که در امانت هستند (احتمال PC)؛

DL: نارضایتی به دلیل اینکه کتاب‌ها در محل اشتباه سر قفسه قرار داده شده‌اند (احتمال PD)؛

DU: نارضایتی به دلیل اشتباه کاربر (احتمالPU).



نمودار۱. شاخه‌ای کانتور (Kantor, 1976)

بـا اسـتفاده از ایـن نمـودار، کـه نمـودار شـاخه‌ای کـانتور نامیـده مـی‌شـود، تعـداد نارضـایتی‌هـا، جمـعDها (Dissatisfaction) تعیین می‌شود. در این نمـودار W نشـان دهنـده کـل درخواسـت‌هـا و Sمیـزان رضـایت است.)

T= S + DU	PU=S/T
U= T + DL	PL= T/U
V= U + DC	PC=U/V
W= V+ DA	PA= V/W

کانتور معتقد است نکاتی وجود دارند که در فرمول‌ها نمی‌گنجند. مثلاًکتاب‌های رزرو شده را می‌توان هم در دسته کتاب‌های به امانت رفته گنجاند و هم در دسته کتاب‌هایی که در محل اشتباه قـرار گرفتـه‌انـد. در مطالعاتی که تعداد کتاب‌های رزرو شده زیـاد باشـند، بهتـر اسـت کـه مجموعـه‌ای جداگانـه بـرای آنهـا تعریف شود. البته در این مطالعه باید خطای آماری لحاظ شود. زیرا پژوهشگر نمی‌تواند سرنوشت هر مورد را که کاوش می‌شود، مشخص کند.

گلینی مقدم (۱۳۷۸) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با استفاده از روش پیمایشی نرخ دسترس‌پذیری فیزیکی کتاب‌ها را در دانشگاه فردوسی مشهد با استفاده از دو لیست، یکی شامل مشخصات کتاب‌ها که به

تصادف از رف‌برگه هر کتابخانه انتخاب شده بود، و دیگری از میان درخواست‌های دانشجویان، سنجید. هرلیست دو قسمت داشت. در قسمت اول اطلاعات کتابشناختی کتاب‌هاآمده بود و در قسمت دوم مدت زمان میان درخواست کتاب و دریافت آن، موجود یا موجود نبودن، وعوامل مؤثر بر موجود نبودن هرکتاب ثبت شد. پژوهش وی نشان داد نرخ دسترس‌پذیری فیزیکی کتاب‌ها در دانشگاه فردوسی مشهد از نرخ آن در خارج از کشور بیشتر (۸۰٪)، و زمان دسترسی به کتاب‌ها در حوزه‌های علوم از حوزه‌های علوم انسانی/اجتماعی کمتر است. گلینی مقدم موانع دسترس‌پذیری کتاب‌ها را به ترتیب اهمیت این‌ها یافت: ۱) در امانت بودن، ۲) اشتباه کتابدار ۳) اشتباه دانشجو ۴) اشتباه قفسه‌آرایی.[۷]

در بیشتر پژوهش‌ها دسترس‌پذیری، توانایی یک کتابخانه برای تهیه مدارک مورد نیاز مشتری در زمان نیاز ارزیابی و نرخ دسترس‌پذیری به صورت احتمال وجود مدرک مورد نیاز و مورد کاوش کاربر در مجموعه، فهرست و قفسه اندازه‌گیری شده است. جمع‌بندی یافته‌های پژوهش‌های گذشته، چهار عامل مجموعه‌سازی و فراهم‌آوری (= سفارش و تهیه)، امانت، خطای کتابخانه و خطای کاربر را به عنوان موانع دسترسی مشخص کرده‌اند. در پژوهش‌ها، نرخ دسترسی متفاوت در انواع کتابخانه‌ها به دست آمده است اما به سبب تفاوت در شرایط و امکانات، نمی‌توان نتایج آن پژوهش‌ها را به کتابخانه دانشگاه اصفهان تعمیم داد. بنابراین پژوهش حاضر بر آن است تا دسترسی فیزیکی را، به عنوان یکی از مهم‌ترین معیارهای ارزیابی کتابخانه، در کتابخانه‌های دانشگاه اصفهان بسنجد.

روش پژوهش:

می‌توان به دسترس‌پذیری به دیدهٔ فرآیندی نگریست که از زمانی آغاز می‌شود که فرد نیاز به دانستن چیزی را حس می‌کند، تا زمانی که به دانستن آن می‌رسد و به اصطلاح با دریافت اطلاعاتی که آن دانائی را به او می‌دهد، ساختار دانشش تغییر می‌کند. از این رو مشخص کردن چارچوب برای دسترسی دشوار است. از طرفی دیگر، مناسب بودن وضع دسترس‌پذیری یک کیفیت است که برای اندازه‌گیری و فهمیدن وضعیت آن باید آن را با مقیاس کمّی سنجید.

همین مسائل باعث شد که برای انجام این پژوهش سه بار رویکرد خود را تغییر دهیم. چهارمین

---

۷. برای مطالعه بیشتر مراجعه شود به پورحقانی، مهسا.(۱۳۹۰). *بررسی وضعیت دسترس‌پذیری به منابع اطلاعاتی چاپی در کتابخانه های دانشگاه اصفهان*. پایان نامه کارشناسی ارشد کتابداری و اطلاع‌رسانی. دانشگاه اصفهان، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی.

رویکرد ما را به یافته‌هائی رساند که در این مقاله خواهد آمد. پیش از شرح روش نهائی، توضیح تجربه‌ای که حاصل شد، بی‌فایده نخواهد بود.

در مرتبه اول برای بررسی عمیق دسترس‌پذیری به منابع در دانشگاه اصفهان، برای استفاده از تجارب دانشجویان تحصیلات تکمیلی تصمیم گرفتیم با آنها مصاحبه کنیم و تجربه ایشان را در تلاش برای دستیابی به منابع بشناسیم. انجام هفت مصاحبه با دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه اصفهان معلوم کرد که دانشجویان، همه در گام نخست متوقف می‌شوند. زیرا معتقد بودند منابعی که می‌خواهند اصلا در دانشگاه اصفهان وجود ندارد. دانشجویان تحصیلات تکمیلی گروه‌های علوم انسانی، به خصوص دانشکده ادبیات، مشکلی در مورد دسترسی به منابع اطلاعاتی اعلام نکردند. اما دانشجویان رشته‌های مهندسی و اقتصاد اصرار داشتند که هیچ کدام از منابع درخواستیشان در دانشگاه اصفهان موجود نیست. از آنجا که هدف این پژوهش بررسی دسترس‌پذیری منابع موجود در مجموعه کتابخانه‌های دانشگاه اصفهان بود، بررسی مصاحبه‌های انجام گرفته نشان داد که مصاحبه‌ها هدف این تحقیق را برآورده نمی‌کنند زیرا دانشجویان عموما از نبود منابع گلایه می‌کردند.

در کوشش دوم، فرمی تهیه شد و از مراجعه کنندگان به کتابخانه مرکزی دانشگاه اصفهان خواستیم جستجوهای خود را در آن درج کنند و مشخصات هر منبعی را که می‌خواستند و نمی‌یافتند، با ذکر دلیل ناکامی، در آن فرم وارد کنند. این فرم‌ها در ساعت‌های مختلف، بر اساس فعالیت میز امانت کتابخانه مرکزی توزیع شد. این تدبیر نیز موفق نبود. اشکالی که بروز کرد آن بود که دست یافتن به مشکلات دسترس‌پذیری به ندرت و تصادفی میسر می‌شد. زیرا در خیلی از موارد مراجعه‌کنندگان قادر نبودند علت اصلی ناموفق بودن تلاش خود را بیان کنند.

در نوبت سوم، تصمیم گرفتیم با استفاده از برگه‌های درخواست کتاب، درخواست‌هایی را که کتابداران نمی‌یافتند، بررسی کنیم. این تدبیر هم به چند دلیل متوقف شد. مهم‌ترین علت آن بود که در بسیاری از موارد اشتباه از کاربر بود که به محل نگهداری و در امانت بودن مدرک توجه نمی‌کرد. در این روش حجم جامعه (کل درخواست‌های مراجعه کنندگان) مبهم بود و بیشتر به مشکلات کاربران در میزان دسترس‌پذیری پرداخته می‌شد. در حالی که هدف اصلی این پژوهش بررسی مشکلات نظام کتابخانه در تحقق دسترس‌پذیری بود.

سرانجام تصمیم گرفتیم برای پاسخ به پرسش پژوهش خود از رویکرد به اصطلاح "منبع محور" استفاده کنیم. بدین معنی که سیاهه‌ای از منابع تهیه کنیم و دسترس‌پذیری به آنها را بسنجیم. اما مشکلی که

وجود داشت، تهیه سیاهه‌ای بود که هم مورد نیاز کاربران باشد و هم بتواند به خوبی موانع دسترس‌پذیری را روشن کند. برای رسیدن به این منظور، تصمیم گرفتیم سیاهه مورد نظر از منابعی باشد که دانشجویان در جریان پایان‌نامه‌نویسی به آنها استناد کرده بودند و وضع دسترسی به آنها را بسنجیم تا معلوم شود خدمات کتابخانه‌ای دانشگاه اصفهان تا چه حد عملا قادر است منابعی را که دانشجویان در جریان پژوهش خود به آنها نیاز داشته‌اند در دسترس آنها قرار دهد. این رویکرد مراحل زیر را طی کرد:

۱. به علت تعداد زیاد پایان نامه‌ها تصمیم گرفتیم فقط پایان نامه‌های دو سال اخیر یعنی ۱۳۸۸ و ۱۳۸۹ را به عنوان جامعه این پژوهش در نظر بگیریم. از میان ۱۹۰ پایان نامه دفاع شده در این دو سال، با استفاده از جدول مورگان (مومنی، ۱۳۸۶)، ۹۷ عنوان را برای نمونه برگزیدیم. در کتابنامه‌های این ۹۷ پایان نامه در مجموع مشخصات ۳۷۲۵ عنوان کتاب فارسی و انگلیسی موجود بود. با کسر ۷۵۳ عنوان تکراری، ۲۹۷۲ عنوان کتاب مورد استناد در پایان‌نامه‌های فوق، نمونه ما را تشکیل داد. جدول زیر تعداد نمونه در پایان نامه‌ها و استنادهای هر رشته را نشان می‌دهد.

رشته	تعداد پایان نامه‌ها	تعداد استنادها
مشاوره	۱۶	۷۷۳
روان‌شناسی	۴۰	۱۶۵۷
علوم تربیتی	۳۵	۱۲۱۸
کتابداری	۶	۷۷
جمع	۹۷	۳۷۲۵
استنادهای تکراری		۷۵۳
جمع نهائی		۲۹۷۲

۱. در گام بعد، اطلاعات کتابشناختی کتاب‌های مورد استناد در پایان‌نامه‌ها در سیاهه وارسی که بر اساس مراحل جستجو کاربران (جستجوی عنوان، نویسنده و رده) تهیه شده بود، وارد شد. این مراحل برپایه مشاهده جستجوی کاربران تعیین شد. علاوه بر اطلاعات کتابشناختی، محل نگهداری منبع نیز در سیاهه وارسی آمد.

۲. سپس تمامی ۲۹۷۲ عنوان استنادهای غیر تکراری ۹۷ پایان‌نامه در فهرست پیوسته کتابخانه دانشگاه اصفهان جستجو شد. هر منبعی که در فهرست یافت نشد در قسمت مربوطه در سیاهه وارسی ناموجود علامت‌گذاری شد و کاوش آن متوقف شد.

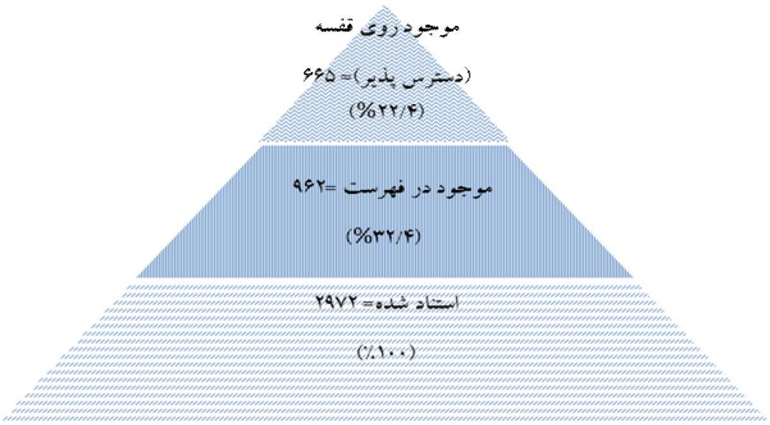
۳. اگر منبعی در فهرست وجود داشت، شماره راهنما و محل نگهداری آن در سیاهه وارسی یادداشت شد. همچنین اگر مشکلی در استفاده از نرم‌افزار به چشم می‌خورد، آن اشکال نیز در سیاهه وارسی ثبت شد.

۴. بعد از اتمام این قسمت، جستجوی سر قفسه تک تک منابعی آغاز شد که رکورد کتابشناسی آن در فهرست پیوسته کتابخانه موجود بود و شماره راهنمای آنها نوشته شده بود. هر منبعی که یافت می‌شد، موفقیت در دسترسی فیزیکی به کتاب تلقی و در سیاهه وارسی علامت می‌خورد. در مرحله بعد علت یافت نشدن منابع نایافته بررسی شد. در این مرحله هم زمان جستجوی منبع یادداشت شد. از آنجا که محل نگهداری بعضی منابع دانشکده علوم تربیتی نبود، زمان سفرهای درون دانشگاهی نیز برای دست یافتن به منابع اندازه‌گیری شد. پس از اتمام این مرحله، برای نبودن تعدادی از منابع سر قفسه هیچ دلیلی پیدا نشد. بنابراین، تصمیم گرفتیم برای شناسائی علت دسترس‌ناپذیری، با پنج نفر از کتابداران زبده بخش امانت کتابخانه‌های دانشگاه اصفهان مصاحبه کنیم. طبعا یافته‌های این بخش انعکاس نظرات مبتنی بر تجربه شخصی آنان است.

۵. داده‌های حاصل از سیاهه وارسی، با استفاده از نرم افزار SPSS تحلیل شد. استفاده از آمار توصیفی، ارائه جداول توزیع فراوانی داده‌ها و ارائه نمودارهای مربوطه جوابگوی پرسش‌های این پژوهش بود.

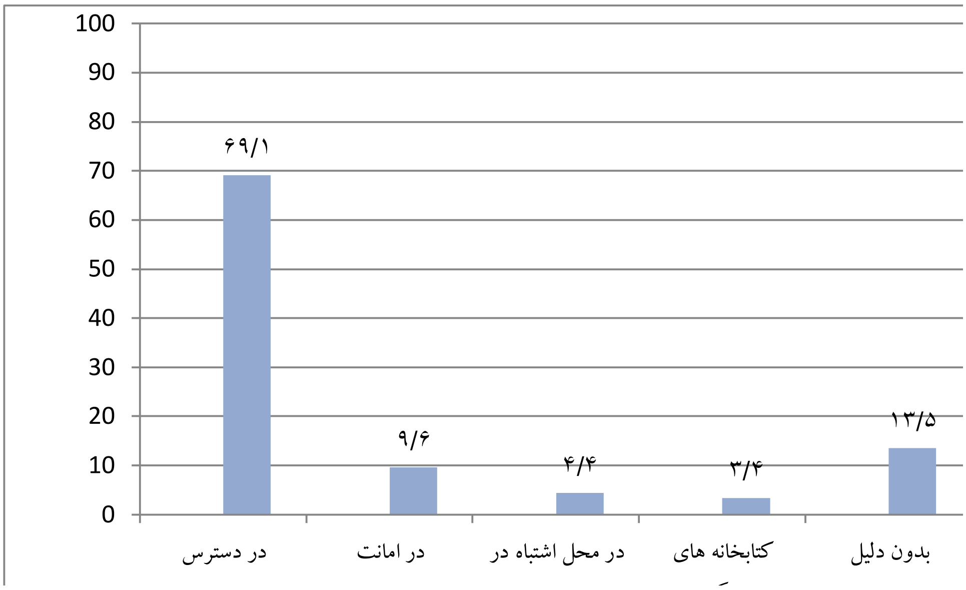
یافته‌ها

از ۲۹۷۲ عنوان کتاب استناد شده، ۲۰۱۰ عنوان (۶۷/۶٪) در فهرست کتابخانه های دانشگاه موجود نبود. این نرخ برای کتاب‌های فارسی ۱۱/۵٪ (۳۴۲ عنوان) و برای کتاب‌های انگلیسی ۵۶/۱٪ (۱۶۶۸عنوان) بود. جستجو در فهرست دانشگاه نشان داد تنها می‌توان به دستیاب بودن ۹۶۲ عنوان (۳۲/۴٪) کتاب‌هایی که در ۹۷ پایان‌نامه دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی به آنها استناد شده بود، امید داشت. ادامه کاوش معلوم کرد که از این تعداد تنها ۶۶۵ عنوان (۲۲/۴٪ از کل) واقعاً "دسترس‌پذیر" است. این را می‌توان به یک اعتبار نرخ دسترس‌پذیری کتاب‌های چاپی در دانشگاه اصفهان دانست.



اما اگر **۹۶۲** عنوانی که رکورد کتابشناختی آنهادر فهرست کتابخانه موجود است مبنا (٪۱۰۰) قرار گیرد، آنگاه نرخ دسترس‌پذیری به کتاب‌های چاپی در این دانشگاه می‌شود: ٪۶۹=۱۰۰*۶۶۵/۹۶۲

نمودار شماره ۲ سبب‌های دستیاب نشدن ٪۳۱ بقیه را نشان می‌دهد.



نمودار ۲. دسترس‌پذیری کتاب‌های موجود در فهرست آنلاین کتابخانه در قفسه

در موارد اندکی نیافتن منبع، به معنای موجود نبودن کتاب بر روی قفسه نبود، بلکه ناشی از نارسایی نرم‌افزار کتابخانه بود. در ۸۵ مورد (٪۲/۹) جستجو در فهرست با مشکل مواجه شد. جستجوی ما تا رسیدن

به منظور، گاه تا ۳۰ دقیقه طول می‌کشید. "منبع محور" بودن این تحقیق به ناچار ما را از منظور کردن خطای کاربر به عنوان مانع دسترس‌پذیری بازداشت (این از محدودیت‌های سنجش دسترس‌پذیری با رویکرد منبع محور است). در یک مورد ما از وجود کتابی در مجموعه مطمئن بودیم، اما رکورد آن را در فهرست نیافتیم در حالی که سرانجام آن بر روی قفسه یافتیم. شاید موارد دیگری در میان ۲۰۱۰ عنوان ناموجود وجود داشته که در عمل موجود بوده باشد اما رکورد آن را در فهرست نیافته باشیم.

برخی مشکلات نرم افزار کتابخانه که با آن مواجه شدیم این‌ها بود:

۱. با اینکه نرم‌افزار کتابخانه تحت وب است، اما با مرورگرهای اینترنتی پرکاربرد مانند موزیلا فایرفاکس و اُپِرا باز نمی‌شود و تنها با اینترنت اکسپلورر باز می‌شود.
۲. سیستم پیشنهاددهنده در بخش جستجو سریع فهرست، پیشنهادهایی ارائه می‌دهد که ترکیبی از کلمات بی‌معنی و عدد است.
۳. نرم‌افزار از تشخیص واژه‌ها با رسم‌الخط متفاوت عاجز است (مثلا نتایج جستجوی "روانشناسی" و "روان‌شناسی" یکی نیست).

در ۹۲ مورد (۹/۶٪) مانع دسترس‌پذیری در امانت بودن کتاب بود. در امانت بودن را نمی‌توان خطای مدیریت مجموعه دانست، بلکه مانعی است که حاکی از موفق بودن خدمت است. این یکی از پارادکس‌های خدمت کتابخانه‌ای به اتکای مواد چاپی است که باکلند به آن اشاره کرده است (Buckland, 1972, P.99-100) و به موجب آن بالا رفتن نرخ امانت باعث پایین آمدن نرخ دسترس‌پذیری می‌شود؛ پارادکسی که منابع الکترونیک با فراهم کردن امکان دسترسی همزمان چندکاربر آن را برطرف کرده است، اما در دانشگاه اصفهان به خاطر بهره نبردن نرم افزار از امکان اخطار به کاربر برای برگرداندن به موقع کتاب و یا اعلام تاخیر (مثلا با فرستادن ایمیل به امانت گیرنده)، امانت می‌تواند بیش از آنچه که ناگزیر است، مانع دسترسی شود. مهم‌تر از آن، آگاه نشدن رزروکننده از بازگشت کتاب رزرو شده به کتابخانه نیز می‌تواند دسترس ناپذیری را تشدید کند.

از ۹۶۲ عنوان کتاب موجود در فهرست کتابخانه، ۶۳۵ مورد (۶۶٪) در کتابخانه علوم تربیتی و ۳۲۷ مورد (۳۴٪) در کتابخانه‌های دیگر بود. یعنی کاربر برای به دست آوردن آنها می‌بایست در سطح پردیس وسیع دانشگاه به کتابخانه‌های مختلف مراجعه کند. این یکی از معایب پراکنده بودن مجموعه کتابخانه‌های دانشگاه اصفهان در ۱۷محل است. این مشکل در مورد ۳۳ عنوان (۳/۴٪)که تنها در مجموعه کتابخانه‌های خوابگاه‌های دختران و پسران وجود داشت، تشدید می‌شود؛ زیرا دسترسی دانشجویان غیر ساکن در

خوابگاه‌ها و دسترسی دانشجویان جنس مخالف به آنها، در نبود سرویس امانت بین کتابخانه‌ای، تقریبا ناممکن است.

یافته‌های ما حاکی از آن است که در ۱۷۲ مورد (۱۷/۹٪) دسترس ناپذیری به خاطر نقص مدیریت مجموعه است. در ۴۲ مورد (۴/۴٪) قرار داشتن کتاب در محل اشتباه مانع دسترسی بود. اما ما نتوانستیم برای در دسترس نبودن ۱۳۰ مورد (۱۳/۵٪) سبب را بشناسیم. برای شناسایی سبب در دسترس نبودن آنها با ۵ نفر از کتابداران فعال در بخش امانت در ۵ کتابخانه مصاحبه کردیم. آنها این دلایل را نام بردند:

۱. وجین شدن کتاب بدون حذف رکورد آن. بر طبق آیین‌نامه وجین دانشگاه اصفهان، بعد از تصمیم‌گیری در مورد مواد وجینی، باید شماره ثبت مدرک وجین شده از فهرست کتابخانه حذف شود. اما بنا به گفته کتابداران، حدود ده سال از وجین منابع می‌گذرد، اما وضعیت این منابع هنوز نامشخص است. با اینکه نرم افزار فهرست کتابخانه تعویض شده، هنوز منابع وجین شده از نرم‌افزار جدید هم حذف نشده است. داده‌های کتاب‌های وجین شده، بی هیچ توضیحی در فهرست باقی مانده است، در حالی که کتاب‌ها از قفسه‌ها خارج شده‌اند و در مکانی قرار دارند که امکان دسترسی دانشجو به آنها وجود ندارد.

۲. انجام نشدن شلف‌خوانی. بررسی دقیقی برای هماهنگی کتاب‌های موجود در قفسه و فهرست کتابخانه انجام نگرفته است. چند سال پیش، زمانی پیش از تغییر نرم افزار، یک نوبت شلف‌خوانی صورت گرفت، اما سرانجامِ سیاهه‌های تهیه شده از کتاب‌های مفقودی و به صحافی رفته و دیگر موارد مشخص نشد. بعد از تغییر نرم‌افزار، برای دومین بار نیز شلف‌خوانی انجام شد، اما وضعیت منابع در سیاهه‌های تهیه شده وارد نشد. تفکیک نشدن سیاهه‌ها سبب شد امکان تشخیص علت دسترس‌پذیر نبودن کتاب‌ها در قفسه، که می‌تواند امانت بودن، گم شدن یا هر علت دیگری باشد، مشخص نشود. انجام ندادن شلف‌خوانی باعث شده است کتاب‌های گمشده و مفقودی مشخص نشوند. کتابدارانی که با آنها مصاحبه شد گفتند از زمان استفاده از گیت امنیتی برای کتابخانه، مواد مفقودی کاهش چشم‌گیری پیدا کرده است. بیشتر مواد گمشده متعلق به زمانی است که امانت‌دهی به شیوه دستی بوده است و نظام‌های امنیتی در کتابخانه‌ها نصب نشده بود.

۳. صحافی. طولانی بودن مدت زمان صحافی و بی‌دقتی در آن(مثلا صحافی کردن دو کتاب با هم در یک مجلد) نیز به نظر کتابداران از دیگر سبب‌های یافت نشدن اعلام شد.

۴. نگهداری برخی مجموعه‌ها مانند کتب وقفی، در محلی مجزا، بدون ذکر محل نگهداری در فهرست کتابخانه.

۵. اعلام نشدن وضع کتاب‌های در حال آماده‌سازی و به صحافی رفته در فهرست کتابخانه.

۶. تقسیم مجموعه یک کتابخانه دانشکده‌ای به چند کتابخانه اقماری بدون تغییر محل نگهداری در رکورد اثر در فهرست کتابخانه.

۷. فاصله زمانی زیاد میان خریده شدن و ورود کتاب به قفسه. در حالی که داده‌های توصیفی کتاب خریداری شده بلافاصله وارد فهرست کتابخانه می‌شود و رکورد کتابشناختی آن قابل جستجو توسط کاربر است، به تخمین کتابداران ۳ ماه طول می‌کشد بر روی قفسه کتابخانه دسترس‌پذیر شود. این فاصله نیز یکی از موانع دسترس‌پذیری است.

میانگین زمان جستجو در نرم‌افزار کتابخانه ۱۵ ثانیه و حداکثر حدود هشت دقیقه بود. میانگین زمان کاوش در قفسه ۴۵ ثانیه و حداکثر حدود ۷۲ دقیقه بود. در ادبیات مربوط به دسترس‌پذیری یکی از معیارهای کمی سنجش دسترسی را میانگین مدت زمان دسترسی بیان کرده‌اند(پائو، ۱۳۷۹، ص۳۹۹). اما در هیچ یک از پژوهش‌های مورد بررسی، به میانگین مدت زمان دسترسی به منابع اطلاعاتی اشاره‌ای نشده است و تنها تاثیر مدت زمان امانت بر دسترس‌پذیری محاسبه شده است (Buckland, 1975).

نتیجه‌گیری

این پژوهش شماری یافته آماری به دست داد که شایسته قدری تأمل است. پاسخ این یافته‌ها به پرسش اصلی ما — اینکه نرخ دسترس‌پذیری فیزیکی به کتاب‌های چاپی در کتابخانه‌های دانشگاه اصفهان چقدر است- در چارچوب طرح حاضر دو عدد بود. یکی ۲۲٪، و آن نسبت منابع دسترس‌پذیر به کل عنوان‌هایی بود که دانشجویان در پایان نامه‌های خود به آنها استناد کرده بودند. دیگری ۶۹٪، و آن نسبت دست‌یافته‌ها بود به کل عناوینی که فهرست پیوسته موجود بودنشان را در مجموعه‌های دانشگاه اعلام کرده بود.

اگر فرض کنیم که آنچه در فهرست منابع یک پایان‌نامه فهرست شده است واقعا "نیاز اطلاعاتی"دانشجوی پایان‌نامه‌نویس است، وضع دسترس‌پذیری در دانشگاه اصفهان به کتاب‌های چاپی مأیوس‌کننده خواهد بود و حکایت از فاصله بسیار بین عملکرد کتابخانه‌های این دانشگاه و دانشگاه‌های دیگر (مثال فردوسی مشهد با ۸۰٪) دارد. اما اگر نسبت "موجود" (= دارای رکورد کتابشناختی در فهرست پیوسته) و "دسترس‌پذیر" را ملاک قرار دهیم وضع امیدوار کننده است، گرچه هنوز نرخ ۷۰٪ دانشگاه اصفهان ۱۰٪ کمتر از عملکرد کتابخانه‌های دانشگاه فردوسی مشهد به روایت گلینی مقدم (۱۳۷۸) است،

اما باز از نرخ دسترس‌پذیری در مطالعه کلاسیک کانتور (Kantor, 1976) ۱۰٪ بیشتر است.

پرسشی که در اینجا به قوّت مطرح می‌شود این است که آن ۶۸٪ کتاب‌هایی که در مجموعه کتابخانه‌های دانشگاه اصفهان موجود نبود چگونه در دسترس پایان‌نامه‌نویسان قرار گرفته تا بتوانند به آنها استناد کنند؟

یافته‌ها می‌گویند حدود دو سوم از کل کتاب‌های فارسی ۳۴۲ عنوان (۱۱/۵٪) که در ۹۷ پایان نامه به آنها استناد شده، در کتابخانه‌های دانشگاه اصفهان موجود نبود. این رقم در مورد کتاب‌های انگلیسی به ۱۶۶۸ عنوان (۵۶/۱٪) می‌رسد.

در مورد کتاب‌های فارسی می‌توان به احتمال یافت شدن آنها در کتابخانه‌های دیگر یا در بازار داخلی امیدوار بود. اما در مورد کتاب‌های انگلیسی چاپ خارج چه؟ آیا آنها نیز به همان فراوانی در بازار داخلی یا کتابخانه‌های دیگر یافت می‌شوند؟ آیا نسخه الکترونیک آنها به صورت پیوسته در دسترس است؟ گزینه بازار داخلی به نظر ما منتفی است؛ زیرا این بازار عمدتا به نمایشگاه بین‌المللی تهران محدود می‌شود (نمایشگاه‌های کتاب خارجی که به صورت پراکنده در فاصله برگزاری نمایشگاه بین‌المللی تهران در دانشگاه‌ها برگزار می‌شوند، عمدتا فروش نرفته‌های نمایشگاه تهران را عرضه می‌کنند).

نمایشگاه بین‌المللی تهران منبع تغذیه کتابخانه‌های دانشگاهی کشور است. به عبارت دیگر، کتابخانه‌های دانشگاهی خریداران جدی کتاب‌های خارجی در نمایشگاه بین‌المللی تهران هستند. بنابراین، معقول است که فرض کنیم به احتمال بسیار، کتاب‌های انگلیسی دانشگاهی که در نمایشگاه بین‌المللی تهران عرضه می‌شود، دست‌کم یک نسخه را یک کتابخانه دانشگاهی در ایران می‌خرد.

احتمال بعدی – یافت شدن نسخه الکترونیک پیوسته و در کتابخانه‌های دیگر داخلی – را بررسی کردیم. بدین منظور از بین ۱۶۶۸ عنوان کتاب انگلیسی که در فهرست پیوسته کتابخانه دانشگاه اصفهان موجود نبود، ۳۱۳ عنوان را به صورت تصادفی با استفاده از جدول مورگان (نمونه ۳۱۳ تایی برای ۱۷۰۰ جمعیت) برگزیدیم و ابتدا آنها را در کتابخانه گوگل (Google Books) جستجو کردیم و توانستیم نسخه الکترونیکی ۱۵ عنوان (۵٪) را پیدا کنیم. سپس همین نمونه را در فهرست کتابخانه‌های دانشگاه تهران، شیراز، شهید چمران اهواز و شبکه سیمرغ که شامل دانشگاه فردوسی مشهد، شهید بهشتی و تربیت مدرس می‌شود، جستجو کردیم.

این دانشگاه‌ها دارای قدیمی‌ترین و معتبرترین دانشکده‌های روان‌شناسی و علوم تربیتی در کشور هستند. جستجو در فهرست‌های آنها نشان داد که تنها رکورد ۴۴ عنوان (۱۴٪) از ۳۱۳ عنوان نمونه، در

کتابخانه‌ها موجود است. بنابراین، بر اساس نمونه‌گیری فوق، در بهترین حالت، دانشجویان ما به ۱۶۰۷ عنوان کتاب در پایان‌نامه‌های خود استناد کرده‌اند، بدون آنکه شانس قابل ملاحظه‌ای برای دسترسی به آنها را داشته باشند. پرسش آن است که چگونه این ارجاع‌ها به پایان‌نامهٔ آنها راه یافته است؟

محتمل‌ترین پاسخ استناد کاذب است: اینکه این استنادها را از استنادهای کتاب‌ها و مقاله‌ها و پایان‌نامه‌های دیگر گرفته‌اند. این کار در اصطلاح‌شناسی دانشگاهی استنادسازی یا استنادبافی[8]خوانده می‌شود (Fanelli, 2009) و از مصادیق سوء رفتار دانشگاهی[9]و تخلف از موازین اخلاق علمی است.

استنادبافی به این شکل فاحش به ما می‌گوید که آنچه به عنوان "منابع و مآخذ" در پایان نامه‌ها می‌آید، لزوماً "نیاز اطلاعاتی" نیست بلکه صرفا نمایشی برای "قابل قبول کردن" یا افرایش اعتبار کار خود است. بنابراین، دامنه نیاز اطلاعاتی این دانشجویان به مراتب محدودتر از آن است که با شمارش صرف استنادها به نظر می‌رسد. این ضعف شناخته شده تحلیل‌های استنادی در این پژوهش از حالت امری حاشیه‌ای به در آمده و متن را به تصرف خود در آورده است.

از تذکر این نکته نمی‌توان گذشت که در این مطالعه ما فقط به کتاب‌های استناد شده در پایان نامه‌ها پرداختیم و متعرض مقاله‌های مجلات علمی نشدیم. به رغم دسترسی پیوسته به مقالات مجلات علمی خارجی در دانشگاه‌های ما، دلیلی نداریم که احتمال ندهیم استناد کاذب به مقالات مجلات نیز رخ داده باشد.

فاصله نزدیک به ۱۰٪ نرخ دسترس‌پذیری در دانشگاه اصفهان با دانشگاه فردوسی را می‌توان به تفاوت در شیوه دو بررسی نسبت داد. گلینی مقدم(۱۳۷۸)، سنجش خود را بر اساس دو سیاهه – یکی به تصادف استخراج شده از فهرست کتابخانه، دیگری تهیه شده از درخواست‌های دانشجویان– انجام داد. در هیچ‌یک از دو سیاهه او پدیده نیاز کاذب، وجود نداشت.

این می‌تواند سبب افزایش ۱۰٪ دسترس‌پذیری در دانشگاه فردوسی باشد. در غیر این صورت، باید آن را نشانه وجود نقیصه‌های بیشتر در مدیریت مجموعه در کتابخانه‌های دانشگاه اصفهان دانست. سبب هر چه باشد، ما موانع دسترس‌پذیری به کل عناوینی را که فهرست پیوسته موجود بودنشان را در مجموعه‌های دانشگاه اعلام کرده بود به خاطر در امانت بودن (۹/۶ درصد)؛ پراکندگی کتابخانه‌ها در سطح پردیس دانشگاه (۳/۴ درصد)، و از این دو مهم‌تر، کاستی‌هایی یافتیم که در مدیریت مجموعه با آنها برخورد کردیم (۱۷/۹ درصد). در امانت بودن را عیبی نمی‌توان تلقی کرد. اما پراکندگی و نقیصه‌هائی که به

[8] Citation Fabrication
[9] Academic misconduct

تفصیل از آنها سخن گفتیم، مواردی هستند که می‌توان با تدبیرهای فنی کاهششان داد.

مهم‌ترین این تدبیرها انجام شلف‌خوانی است تا به کمک آن موجود بودن یا نبودن کتاب‌ها معلوم و رکورد کتاب‌های وجین شده از فهرست حذف شود و محل نگهداری کتاب‌ها به صورت دقیق ثبت گردد.

یک راهبرد برای تقویت مدیریت مجموعه، کاهش تعداد کتابخانه‌های دانشگاه، ترجیحاً در یک کتابخانه مرکزی است. این راهبرد در دو دانشگاه مهم کشور، دانشگاه‌های صنعتی اصفهان و دانشگاه فردوسی، انجام شده است. این در حالی است که راهبرد ادغام کتابخانه‌های دانشکده‌ای دهه‌ها است در دانشگاه‌های معتبر کشورهای دیگر صورت گرفته و موجب صرفه جویی در هزینه‌ها و ارتقای سطح خدمات شده است.

توصیه دیگر متوجه استادان راهنما و مسئولان امور پژوهشی دانشگاه برای به کار گرفتن سازوکارها و تدبیرهایی است که دانشجویان را از استناد کاذب باز دارد و آنها را به درستکاری در رفتار دانشگاهی تشویق کند.

کتابنامه

پائو، میراندالی (۱۳۷۸). *مفاهیم بازیابی اطلاعات*. ترجمه اسدالله آزاد، رحمت الله فتاحی. مشهد: دانشگاه فردوسی (مشهد)، موسسه چاپ و انتشارات.

پورحقانی، مهسا. (۱۳۹۰). *بررسی وضعیت دسترس پذیری به منابع اطلاعاتی چاپی در کتابخانه‌های دانشگاه اصفهان*. پایان نامه کارشناسی ارشد کتابداری و اطلاع رسانی. دانشگاه اصفهان، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.

حری، عباس (۱۳۷۳). "یادداشت سردبیر". *فصلنامه کتاب*، دوره ۵، ش ۱ و ۲: ص ۱–۵.

داور پناه، محمد رضا (۱۳۸۶). *ارتباط علمی: نیاز اطلاعاتی و رفتار اطلاع‌یابی*. تهران: دبیزش؛ چاپار.

گلینی مقدم، گل نسا (۱۳۷۸). *مقایسه و بررسی دسترس پذیری فیزیکی کتاب‌ها در حوزه‌های علوم و علوم انسانی/ اجتماعی در دانشگاه فردوسی مشهد*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه فردوسی مشهد.

مومنی، منصور. آذر، عادل. (۱۳۸۶). *حل مسائل آمار و کاربرد آن در مدیریت*. تهران: کوهسار.

Afshar, Ebrahim (2000) *Planning and Policy for Collection Development: Application to a Monograph Collection at the State Library of New South Wales*. A thesis submitted in fulfilment of the requirements for the degree of Doctor of Philosophy at the University of New South Wales, Sydney, January 2000.

Buckland, M. K. (1975). *Book Availability and the Library User*. New York, Pergamon Press.

Fanelli, D (2009) *How Many Scientists Fabricate and Falsify Research? A Systematic Review and Meta-Analysis of Survey Data*, PLoS ONE 4(5): e5738.Retrieved Aug 04 2012. From http://www.plosone.org/article/info:doi/10.1371/journal.pone.0005738

Kantor, Paul B. (September – October 1976). "Availability analysis".*Journal of American society for information science*.27 (5-6): s311-319.

Lancaster, F. Wilfred and Baker, Sharon L. (1991).*The Measurement and Evaluation of library Services*. New York: Information Resources Press.

Mansbridge, John. (1986). "Availability studies in Libraries."*Library and Information Science Research*.8 (4):299-314,October-December.

Odlis (Online Dictionary for Library and Information Science).Retrieved June 02, 2011.From http://www.abc-clio. com/ODLIS/odlis_a. aspx#accessibility